

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۱۴ ، اسفند ماه ۱۳۹۳

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق جلیل انفرادی



رفیق جلیل انفرادی در یک خانواده بسیار فقیر در سال ۱۳۲۲ پا به عرصه وجود گذاشت. دوران کودکی با رنج و محنت بسیار همراه بود. مادرش به تنهایی می بایست با عرضه نیروی کار خویش در منازل و کارگاه ها ، پولی برای ادامه زندگی فراهم آورد، ولی کار همیشه وجود نداشت و کوشش های مادر نیز برای یافتن یک حرفه دائمی موفقیت آمیز نبود. همین امر بالاخره وضع خانواده کوچکشان را دچار بحران ساخت و به ناچار خانواده شان از هم پاشید و مادر علیرغم تمایلات قلبیش جلیل را به پرورشگاه سپرد. جلیل چند سال از دوران کودکی را در پرورشگاه سپری کرد. چند سال بعد در سنین نوجوانی طبق قوانین پرورشگاه از آن جا بیرون آمد. در این دوران ، رفیق جلیل که در پرورشگاه کمی کار فنی آموخته بود در کارگاه های کوچک شهری به پادوئی و شاگردی مشغول شد. کار او هرگز دائمی نبود و هرچند گاه در یک کارگاه به کار می پرداخت و پس از مدتی برای آن که مشمول قانون کار و بیمه نشود ، از کارگاه اخراج می شد. این سرنوشت بسیاری از کارگرانی بود که در آن سال ها به کارگر ۸۰ روزه معروف بودند. کارگرانی که پس از ۸۰ روز کار اخراج می شوند زیرا اگر تعداد روزهای کارشان به ۹۰ روز می رسید مشمول حقوق نیمه بند بیمه می شدند!

رفیق جلیل در دوره های تناوب بیکاری به دست فروشی و کارهای دیگر می پرداخت تا هزینه های زندگی اش را تامین نماید. او حتی مدتی در یک دسته موزیک دوره گرد کار می کرد و برای نوازندگان کور، پول جمع می کرد. پس از سال ها تجربه کارگری در کارهای مختلف، رفیق جلیل سرانجام به عنوان کارگر جوشکار در کارخانجات "شعله خاور"، "یخچال سازی ارج" و "جنرال استیل" به کار پرداخت.

رفیق جلیل سال ها پیش از آن که به صف انقلابیون مسلح بپیوندد به همراه رفیق شهید اسکندر صادقی نژاد در سندیکای فلزکار ـ مکانیک فعالیت می کرد، او مدت ها دبیر سندیکای فلزکار و مکانیک بود. کارگران عضو سندیکا هرگز خاطره کوشش های پیگیر او را در جهت احقاق حقوق ابتدائی خود فراموش نمی کنند. رفیق جلیل در این

دوره با پیگیری خاص و علاقه بسیار شکایت های کارگران را تعقیب می کرد تا شاید بتواند قسمتی از حقوقی را که بطور مداوم از سوی کارفرما ضایع می شود باز پس گیرد.

رفیق جلیل در دوران فعالیت سندیکائی همراه با سایر رفقای کارگرس یک سازمان کوهنوردی به نام سازمان کوهنوردان فلزکار - مکانیک بوجود آورد. فعالیت صمیمانه و برنامه های کوهنوردی منظم شان که در آن زمان با وسایل محدود انجام می شد ، الهام بخش کسانی بود که به این ورزش روی می آوردند. آن ها در سال ۱۳۴۳ پناهگاهی برفراز فله توجال ساختند و حاصل کار دسته جمعی شان را به یاد هم طبقه ای های خود "پناهگاه کارگر" نام نهادند که هم اکنون نیز پابرجاست. اما رژیم دیکتاتور شاه همین فعالیت ها را هم تحمل نمی کرد و به همین دلیل فعالیت های صنفی و کارگری رفیق جلیل همواره با مخالفت های ساواک رژیم مواجه می شد. بطوری که در ادامه چنین فعالیت هائی ماموران رژیم فاشیستی شاه او را احضار کرده و وقیحانه از او خواستند که به همکاری با آنان تن در دهد و کارگران آگاه را به ایشان معرفی نماید. آن ها برای رسیدن به مقصود ، او را به زندان و شکنجه و مرگ نیز تهدید نمودند. ادامه این وضع و هم چنین اعمال نفوذ آشکار پلیس سیاسی در امور داخلی سندیکا، رفیق جلیل را وادار به کناره گیری از فعالیت های سندیکائی کرد و او را مصمم ساخت که مبارزاتش را در اشکال موثرتری بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ادامه دهد.

رفیق جلیل در سال ۴۸ در جرگه مبارزینی وارد شد که خود را برای اقدام مسلحانه بر علیه رژیم آماده می ساختند. او به خاطر رهائی خلقی که آن همه دوستشان می داشت و به خاطر رهائی طبقه پر افتخارش سلاح بدست گرفت و آماده نبردی تاریخی شد که واقعیت ستم طبقاتی آن را الزامی می ساخت. او به خاطر آمادگی انقلابی و نیز به دلیل قابلیت ها و تجربیاتش در کوهنوردی و راهپیمائی در جنگل ، در دسته جنگل سازمان چریک های فدائی خلق مشغول به فعالیت شد و با شور و علاقه خاصی به تدارک برنامه شناسائی مناطق شمال کشور پرداخت. مقاومت و فداکاری او در برابر ناملایمات زندگی طولانی در کوه و جنگل مایه اعجاب رفا گردیده بود. رفیق جلیل با ۴۰ کیلو بار ساعت ها در نواحی پرفراز و نشیب جنگل های شمالی راهپیمائی می کرد و خم به ابرو نمی آورد. بالاخره دسته جنگل پس از پیوستن چند رفیق دیگر در ۱۹ بهمن ۴۹ عملیات تعرضی خود را آغاز کرد. در جریان همین عملیات بود که رستاخیز سیاهکل، رویدادی که در تاریخ مبارزات خلق های ما دارای جایگاه ویژه ای است، شکل گرفت.

در جریان نبردهای دسته جنگل با نیرو های دشمن، رفیق جلیل دستگیر و زیر شکنجه های ساواک قرار گرفت. مزدوران رژیم شاه در تاریخ ۲۶ اسفند ۴۹ ، در میدان تیر چیتگر در تهران، این رفیق را به همراه چند تن دیگر از رفقای سیاهکل تیرباران کرده و خون او را بر زمین ریختند. چنین بود که رفیق جلیل انفرادی با زندگی سراسر مبارزه و با مرگ سرخس تا ابد نام خود را در سینه طبقه خود طبقه کارگر جاودانه ساخت.